

کتاب‌شناسی تفاسیر ادبی

محمدحسین رجبی^۱

چکیده

در طول تاریخ اسلام، رویکردهای مختلفی در تفسیر قرآن وجود داشته است؛ از جمله این رویکردها می‌توان به رویکرد ادبی اشاره کرد که مفسر در این روش به بررسی آیات قرآن از جنبه‌های لغوی، صرفی، نحوی، بلاغی و... می‌پردازد. در میان تفاسیر ادبی موجود برخی تفاسیر از جامعیت و اقبال بیشتری برخوردار هستند. ۵ تفسیر بزرگ الکشاف، المحرر الوجیز، جوامع الجامع، البحر المحیط و تفسیر جلالین از جمله‌ی این تفاسیر هستند. در این نوشته به بررسی مختصر زندگی نامه مولف، انگیزه تالیف و رویکرد و عملکرد مفسر در هر یک از تفاسیر مذکور پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تفسیر ادبی، الکشاف، المحرر الوجیز، البحر المحیط، جوامع الجامع



۱. مقدمه

خداوند متعال زمانی که آخرین پیامبرش را مبعوث کرد، همچون انبیاء گذشته او را مسلح به سلاح معجزه کرد تا حجت را بر آن گروه از مردمانی که در طول سال‌ها بر اثر کفر و بی‌ایمانی دلشان سیاه و سخت شده بود و حرف حق را به صرف شنیدن نمی‌پذیرفتند، تمام کند. این معجزات برای پیامبر اسلام ﷺ به حدی زیاد بود که برخی منابع برای ایشان ۴۴۴۰ معجزه ذکر کرده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ص ۱۴۴)

در میان تمامی این معجزات به اذعان تمام دانشمندان و تمامی علمای شیعه و اهل سنت، قرآن بزرگترین معجزه حضرت محمد ﷺ به شمار می‌رود. در آن زمان که شعر و ادب در بین عرب جاهلی رواج داشت و با پوست و گوشت ایشان عجین شده بود، فصاحت، بلاغت و زیبایی‌های ادبی به کار رفته در قرآن تمامی آنان را شگفت زده و مبهوت خود کرد و باعث تعظیم خاصانه‌ی ادبا و شعرای عرب در آن دوران و در تمامی دوران‌ها شد.

ازین رو عده‌ای از دانشمندان و محققین پس از نزول قرآن بر این شدند تا زیبایی و هنرهای ادبی به کار رفته در قرآن را شرح داده و آن را برای عوام روشن سازند تا بدینوسیله ارزش ادبی قرآن روشن‌تر گردیده و معانی آیات نیز واضح‌تر شوند.

تفاسیر ادبی در طول تاریخ اسلام با اهداف مذکور به وجود آمدند؛ گرچه که در زمان‌های گذشته به خلاف زمان حاضر، کسی نام تفسیر ادبی را بر هیچ یک از تفاسیر اطلاق نمی‌کرد و جداسازی این قسم و رویکرد از تفسیر در بین متأخرین رواج پیدا کرده است.

۲. بررسی مختصر انواع رویکردها در تفسیر قرآن

به طور کلی می‌توان روش‌های تفسیر قرآن را به دو قسم کلی تقسیم کرد:

۲.۱ تفسیر ماثور یا روایی (نقلی)

تفسیر ماثور یا روایی ابتداء بر خود قرآن و سپس بر روایات معصومین علیهم‌السلام و اصحاب حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استوار است و دارای ۴ شاخه است:

الف) تفسیر قرآن با قرآن

ب) تفسیر قرآن با سنت



ج) تفسیر قرآن بنا بر سخن صحابه

د) تفسیر قرآن بنا بر گفته تابعان

در صحت و سقم استناد به هر یک از منابع فوق برای تفسیر قرآن، بحث‌ها و اختلافات فراوانی وجود دارد که در این نوشته مجال پرداختن به آنها نیست.

۲.۲ تفسیر اجتهادی

تفسیر اجتهادی تفسیری است که مفسّر با استناد به روایات و آیات و منابع دیگر، تفسیر آیات را بیان کرده و در موارد اختلاف نظر خود را با توجه به رویکرد موردنظرش به اثبات می‌رساند. این قسم از تفسیر دارای ۸ زیر شاخه است:

الف) تفسیر ادبی

ب) تفسیر فقهی

ج) تفسیر کلامی

د) تفسیر فلسفی

ه) تفسیر اجتماعی

و) تفسیر علمی

ز) تفسیر عرفانی

ح) تفسیر جامع (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۷-۲۲)

برخی از رویکردها بعضاً به دلیل وجود حوادث و رخداد‌های مختلف اجتماعی و یا بر اثر اختلاف مذاهب و جدال بر سر اثبات درستی مذهب هر یک از مذاهب اسلامی توسط علمای آن مکتب به وجود آمده است.

۳. تفسیر ادبی و اقسام آن

تفسیر ادبی عبارت است از تفسیری که در آن یکی از جنبه‌های صرفی، نحوی، لغوی و یا بلاغی قرآن مبنا قرار داده شده و تفسیر آیات بر پایه‌ی ادبیات عرب صورت گیرد. بر همین اساس کتب تفسیر ادبی به چهار قسم اساسی تقسیم می‌شوند:



۳.۱ غریب القرآن

غریب القرآن کتابی است که نویسنده در آن به بررسی معنایی لغاتی از قرآن می‌پردازد که در طول تاریخ به دلیل مسائل مختلف از جمله تحولات زبانی و تغییر آداب و رسوم از یادها رفته‌اند و کاربردی در زمان حاضر ندارند.

گرچه از غریب القرآن‌ها در این تقسیم‌بندی نام بردیم، اما غریب القرآن نمی‌تواند حقیقتاً و اصالتاً تفسیر قرآن باشد، بلکه از آنها بیشتر به عنوان لغت نامه و معاجم قرآنی یاد می‌شود تا کتب تفسیری؛ در حقیقت غریب القرآن‌ها ابزاری برای تفسیر قرآن کریم هستند که یک مفسر پیش از تفسیر قرآن باید به آنها مسلط باشد تا جایی که برخی، تفسیر و یا حتی سخن گفتن در مورد قرآن را بدون تسلط به کتب غریب القرآن جایز نمی‌دانند (زرکشی، ۱۴۰۱ق، ص ۳۹۹) ذکر اینگونه کتب در میان اقسام تفاسیر ادبی تسامحی است.

از مهمترین غریب القرآن‌ها می‌توان به غریب القرآن زید ابن علی رضی الله عنه، مجاز القرآن ابوعبیده معمر ابن مثنی، مجمع البحرین طریحی، نزهة القلوب سجستانی و مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی اشاره کرد.

۳.۲ معانی القرآن

قسم دوم از انواع تفسیر ادبی، معانی القرآن‌ها هستند؛ نویسندگان معانی القرآن در این کتب، به بررسی لغوی، اعرابی و قرائات آیات قرآن می‌پردازند و در پیرامون این مسائل، بعضاً به احادیث و روایات نیز اشاره می‌کنند.

معانی القرآن‌ها به عنوان کتب مرجع و اصطلاحاً مادران کتب تفسیری قرآن شناخته می‌شوند. معانی القرآن اخفش، معانی القرآن فراء، معانی القرآن زجاج، الاغفال ابوعلی فارسی و معانی القرآن نحاس از مهم‌ترین کتب معانی القرآن به شمار می‌آیند.

۳.۳ اعراب القرآن

کتب اعراب القرآن از نظر اهمیت و مرجعیت تفاوتی با معانی القرآن‌ها ندارند اما تفاوت اساسی آنها در این است که اعراب القرآن به تجزیه آیات قرآن و ترکیب نحوی آنها می‌پردازد.



اعراب القرآن زجاج، اعراب القرآن نحاس، التبیان فی اعراب القرآن (املاء ما من به الرحمن) عکبری و الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون ابن سمنین از مهمترین و معروف‌ترین کتب اعراب القرآن در بین علمای ادبیات به شمار می‌روند.

۳.۴ تفاسیر جامع ادبی

مهمترین و آخرین قسم تفاسیر ادبی، تفاسیر جامع ادبی هستند که ناظر به قسم خاصی از ادبیات نیستند و در خود تمامی وجوه ادبی را جای داده‌اند؛ هرچند بدون تردید در هر یک از کتب این قسم، با توجه به اغراض نویسنده برخی از جنبه‌های ادبی پررنگ‌تر و پرکاربردتر از دیگر جنبه‌ها هستند.

نویسنده یک تفسیر ادبی می‌تواند تماماً ناظر به ادبیات باشد و قرآن را مبنی بر ادبیات تفسیر کند و می‌تواند بر مبانی دیگر اما با توجه زیاد به ادبیات نگارش تفسیر را به عمل رساند؛ آنچه در این نوشته مقصود است، تفاسیر جامع قسم اول هستند که تماماً ناظر به ادبیات و بر مبنای علوم ادبی نگاشته و تالیف شده‌اند. ازین رو به بررسی کلی ۵ تفسیر از مهمترین تفاسیر جامع ادبی با رویکرد تماماً ادبیاتی می‌پردازیم.

۴. معرفی تفاسیر

۴.۱ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل

۴.۱.۱ نویسنده جارالله زمخشری

ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی ملقب به جار الله زمخشری، در سال ۴۶۷ق در روستای زمخشر از توابع خوارزم چشم به جهان گشود. زندگی در خوارزم که در آن دوران مرکز علم و دانش به حساب می‌رفت باعث شد تا او به فراگیری علوم قرآن، حدیث و ادبیات عربی بپردازد و در این زمینه سرآمد شود. این مفسر بزرگ پس از مدتی برای فراگیری هر چه بیشتر علم و دانش تصمیم به مهاجرت به شهر بغداد گرفت و در آنجا شهرت یافت. زمخشری در فقه از پیروان مذهب حنفی و در کلام، معتزلی مسلک بود و بر مذهب خود اعتقاد راسخ داشت؛ به طوری که در مورد او می‌گویند: زمانی که می‌خواست وارد مکانی شود، می‌گفت بگویند که ابوالقاسم معتزلی



اذن ورود می‌خواهد. جارالله لقبی است که پس از سفر دو ساله اش به مکه و نگارش الکشاف در جوار خانه خدا به او دادند و او پس از این دوران به سرزمین خود بازگشت و با گذشت مدت کوتاهی چشم از جهان فرو بست.

۴.۱.۲ انگیزه نویسنده

زمنخشی در مقدمه تفسیر خود غرض و داستان کتابت الکشاف را بیان می‌کند که مختصراً به شرح ذیل می‌باشد:

دیدم که هرگاه برادرانم از مذهب عدلیه به تفسیر آیه‌ای از قرآن مراجعه می‌کنند و من بعضی از حقایق آیات را برایشان بازگو می‌کنم بسیار تمجید و تعجب می‌کنند و از شوق به سوی تفسیری که بتواند جوابگوی مسایل قرآنی آنان باشد، پر می‌کشند. تا اینکه آمدند و دور من جمع شدند و از من درخواست کردند تفسیری را برای آنان املا کنم و من به علت عدم توانایی علمی و علل دیگر از این مطلب سر باز زدم آنان قبول نکردند و گفتند به نزد بزرگان دین و دانشمندان معتزلی می‌رویم و آنان را واسطه می‌کنیم. چون تصمیم گرفتم به زیارت خانه خدا بروم و به سوی مکه حرکت کردم از هر شهری که می‌گذشتم کسانی را می‌دیدم که متأسفانه معارف قرآن را به اهلش یاد نمی‌دادند و به این خاطر با دیدن من دور من حلقه می‌زدند و در یادگیری حرص می‌ورزیدند و از نشاط من به وجد و حرکت در می‌آمدند.

زمانی که به مکه رسیدم، در آنجا سید ابوالحسن بن حمزة بن دهاس که از بنی حسن است نسبت به بنده بسیار لطف فرمود و درخواست نمود که این تفسیر را بنگارم بنده عرض کردم مرا معاف بدار زیرا عمر من به ۶۰ و ۷۰ رسیده و دیگر توانایی تحقیق و تفحص را ندارم و باید میانه‌روی کنم ولی با این حال خداوند توفیق داد تا به مدت دو سال و چهار ماه (مدت زمامداری ابوبکر) آن را به پایان برسانم در حالیکه سی سال بود که من در انتظار چنین سالی بودم و این از برکت خانه خداست (زمنخشی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲)

۴.۱.۳ رویکرد و دیدگاه نویسنده

- الکشاف بدون شک از مهمترین و پر اقبال‌ترین تفاسیر اجتهادی ادبی است.
- زمنخشی را می‌توان از نوادر علوم لغت و بلاغت عربی خواند؛ حتی کسانی که او را به علت



افراط در بروز مذهب اعتزالی در ال‌کشاف سرزنش می‌کنند، فصاحت، بلاغت و تسلط او به معانی و ریشه لغات را می‌ستایند. طبیعی است زمانی که چنین شخصیتی در مورد قرآن تفسیری جامع کتابت کند، مورد توجه همگان قرار گیرد و بسیار قابل استفاده باشد.

- بیشترین تکیه‌ی زمخشری در بین منابع، بر عقل است تا جایی که وی در تفسیر خود عقل را مهم‌تر از کتاب، سنت و اجماع معرفی می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۱۱). زمخشری تنها به ظاهر آیه توجه نمی‌کند بلکه در بسیاری موارد دیده می‌شود که آیه‌ای را پیش روی خود گذاشته و اشکالات و مسائل وارده را به صورت سوال و جواب منطقی حل و فصل می‌نماید. همانطور که جای جای تفسیر زمخشری مشهود است، سعی او بر این است که کمتر از نقل و روایت برای اثبات یک مسئله استفاده کند؛ اما این مسئله در مورد عقل کاملاً متفاوت است، این عقل است که در نزد او به عنوان ابزار اصلی برای استنباط و اثبات یک مسئله از آن استفاده می‌شود.

- ال‌کشاف آینه تمام نمای مذهب اعتزالی است. ازین رو کسانی که می‌خواهند در مقام نقد و یا در مقام تحقیق، در رابطه با اعتزال گرابی اطلاعاتی کسب کنند و اختلافات این مذهب با اشاعره و دیگر مذاهب را دریابند، می‌توانند با مراجعه به ال‌کشاف به راحتی بسیاری از اصول و مسائل معتزله را کشف و از آن مطلع شوند. علاوه بر این زمخشری ذیل برخی آیات به استهزاء و ردّ مخالفین خود در میان اهل سنت می‌پردازد و آنان و عقایدشان را باطل و گمراه کنند می‌خواند؛ به عنوان نمونه زمخشری در ذیل آیه: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ﴾^۱ (آل عمران، ۱۰۵) که در رابطه با یهود و نصاری نازل شده است می‌نویسد: این آیه را می‌توان در رابطه با بدعت‌گذاران این امت هم دانست و این بدعت‌گذاران مشبهه^۲ و مجبره^۳ و حشویه^۴ اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۹)

۱. و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید!

۲. گروهی که ذات خداوند و یا صفات خداوند را تشبیه به ذات یا صفات اشیاء می‌کنند.

۳. جبر گرایان.

۴. اهل حدیث، کسانی که هر روایتی می‌بینند آن را قبول و به آن عمل می‌کنند هر چند مخالف با عقل و یا نص قرآن باشد.



- زمخشری از مسائل بلاغی قرآن و رموز آیات به زیبایی هرچه تمام‌تر و با بیان شیوا پرده برداری کرده که پیش از او این کار هرگز به این جامعیت صورت نگرفته بود و تفسیر او را می‌توان اولین تفسیر جامع بلاغی نامید که تمامی قرآن را در بر می‌گیرد.

- رویکرد زمخشری در تفسیر آیات را می‌توان تفسیر مزجی نامید؛ او ابتداء آیه را ذکر کرده و لغات ناواضح را برای خواننده روشن می‌سازد، سپس به ترجمه و تفسیر آیه پرداخته و پس از آن وارد نکات بلاغی و زیبایی‌های آیه می‌شود. زمخشری در ابتدای هر سوره مکی یا مدنی بودن، تعداد آیات و رتبه سوره در ترتیب نزول را بررسی کرده و سپس به تفسیر آیات آن می‌پردازد.

۴.۲ جوامع الجامع

۴.۲.۱ نویسنده شیخ طبرسی

ابوعلی امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی ملقب به شیخ طبرسی از اکابر علمای اهل تشیع در سال ۴۶۸ق در شهر تفرش چشم به جهان گشود. وی پس از چندی به مشهد هجرت کرد و در آنجا ساکن شد و به تحصیل علوم پرداخت؛ سپس در اواخر عمر به سبزوار (ولایت بیهق) رفت و در تاریخ ۵۴۸ق «طبق اخبار به دست آمده» به مرگ طبیعی نمرده بلکه توسط دشمنان شیعه به شهادت رسید. پیکر مطهرش پس از چندی به مشهد منتقل، و در جوار قبر مطهر امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. طبرسی از بزرگترین مفسرین و علمای شیعه در طول تاریخ است و کتب زیادی از وی به یادگار مانده است؛ از جمله آثار او می‌توان به ۳ تفسیر مهم و ارزشمند مجمع البیان، جوامع الجامع و الکافی الشافی اشاره کرد.

۴.۲.۲ انگیزه نویسنده

طبرسی پیش از تالیف کتاب جوامع الجامع، دو تفسیر ارزشمند مجمع البیان و الکافی الشافی را کتابت کرده بود و در واقع کتاب جوامع الجامع چکیده و عصاره دو کتاب قبلی اوست. طبرسی زمانی که مجمع البیان را تالیف کرد، از وجود الکشاف زمخشری بی‌خبر بود، زمانی که تفسیر الکشاف به دستش رسید و آن را مطالعه کرد به شدت تحت تاثیر این کتاب قرار گرفته و کتاب الکافی الشافی را در تلخیص و گلچین نمودن نکات ناب تفسیر زمخشری تالیف نمود.



شیخ طبرسی درباره انگیزه‌ی خود از کتابت تفسیر جوامع الجامع اینگونه می‌نویسد: این کتاب را به اصرار پسر ابونصر که نور چشمان من است نوشتم و این کتاب عصاره‌ی دو کتاب گذشته است که جمع اطراف آن دو را کرده و از لطائف زیادی برخوردار است. طبرسی در ادامه به این مطلب اشاره می‌کند که ابتداء درخواست پسرش را به دلیل کهولت سن و گذشتن سنش از ۷۰ سال قبول نمی‌کند اما پسرش کوتاه نمی‌آید و متوسل به شفיעی می‌شود تا پدر را راضی به کتابت تفسیر جوامع الجامع سازد؛ نهایتاً طبرسی که این اصرار فرزند را می‌بیند راضی به کتابت این تفسیر می‌شود. اما انگیزه‌ی دیگری که خود طبرسی بیان می‌کند عبارت است از اینکه وی به شدت به کلام جارالله زمخشری علاقه مند بوده و تحقیق و تفحص در کلمات او برایش لذت بخش می‌نموده است، و این مسئله سبب دیگری برای کتابت تفسیر ارزشمند جوامع الجامع گردیده است.

۴.۲.۳ رویکرد و دیدگاه نویسنده

- تفسیر جوامع الجامع را می‌توان از شبیه‌ترین تفاسیر به الکشاف و درعین حال موجزترین تفاسیر ادبی موجود دانست. شیخ طبرسی با تالیف این تفسیر اولاً تفسیری برگرفته از دو تفسیر ارزشمند مجمع البیان و الکشاف ارائه داده و ثانیاً از ذکر مطالب غیر ضروری خودداری کرده و این تلخیص و وجیزگویی در مجمع البیان بسیار به چشم می‌خورد و این کتاب را از دیگر کتب متمایز می‌سازد. البته رویکرد شیخ طبرسی در جوامع الجامع تقلید و تلخیص صرف نیست بلکه ایشان خود صاحب نظر بوده و در بسیاری از موارد نظر خود را صحیح دانسته و ثبت کرده‌اند.

- شیخ طبرسی در این تفسیر به شکل جامع و البته مختصر به ذکر نکات لغوی، صرفی، نحوی، بلاغی، اختلاف قرائات، مباحث کلامی و فقهی پرداخته است و به خوبی از پس این کار برآمده است؛ البته این اختصار بعضاً موجب تعقید و اخلال لفظی و معنوی گشته است که با توجه به رویکرد تفسیر در ایجاز و جامعیت قابل اغماض است.

- شیخ طبرسی با توجه به علاقه شدید به الکشاف، نظم تفسیر خود را همانند نظم و چینش الکشاف قراردادده است و البته در نکات ادبی و بلاغی از الکشاف پیروی می‌کند، لکن



رویکرد شیخ طبرسی در مسائل فقهی و کلامی کاملاً متفاوت است و ایشان به دنبال تبیین رویکرد تشیع است؛ در موارد متعدد مشاهده می‌شود که شیخ طبرسی مباحث فقهی و کلامی زمخشری را رد و رویکرد اعتقادی شیعه را به اثبات می‌رساند؛ مانند تفسیر آیه ۴۳ سوره مبارکه توبه: ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ﴾^۱ که شیخ طبرسی پس از رد ادعای زمخشری مبنی بر اینکه این آیه کنایه از گنهکار بودن پغمبر ﷺ است، این مسئله را بیان می‌کند که: «پیامبر اسلام سید انبیاء و بهترین زاده حوا بوده و از نسبت گناه مبرّأ و مقام او بسی والا است. در این آیه عفو پیش از عتاب است هر چند جایز است که پروردگار، پیامبران را به جهت ترک اولی سرزنش کند». (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۷-۵۸)

۴.۳ المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز

۴.۳.۱ نویسنده ابن عطیه

ابو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن غالب محاربی، مفسر و محدث مالکی مذهب و از علمای آندلس در سال ۴۸۱ق چشم به جهان گشود. وی در خانواده‌ای اهل علم و فضل پرورش یافت. در کلام نیز پیرو اشاعره بود. از همان ابتدا درگیر سیاست شد؛ به طوری که ابتداءً با پادشاهان حکومت مرابطین رابطه خوبی نداشت اما این مسئله سبب نشد تا وی از کمک به ایشان دریغ کند، بلکه به طور پیوسته در جنگ‌های مرابطین که تازه به حکومت رسیده بودند، شرکت می‌کرد و البته ازین فرصت بیشترین بهره را برای علم آموزی از علمای بزرگ شهرها و دیارهای دیگر می‌برد.

پس از چندی که دیدگاه پادشاهان آندلس نسبت به وی مثبت شد، ابن عطیه به عنوان مشاور و سپس به عنوان قاضی بزرگ شهر متمول و ساحلی مریه انتخاب و منصوب شد و ۱۰ سال در این شهر باقی مانده و به کار علمی مشغول شد. ابن عطیه سپس در سال ۵۴۱ق برای قضاوت در شهر مرسیه انتخاب و راهی این سرزمین شد اما به دلیل مسائل سیاسی از ورود وی به این شهر جلوگیری شد و سپس در راه برگشت به مریه در شهر لورقه از دنیا رفت.

۱. خداوند تو را بخشید؛ چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می‌کردی تا هر دو گروه خود را به تو نشان دهند!).



ابن عطیه علاوه بر جایگاه اجتماعی بسیار بالا از جامعیت علمی بالایی برخوردار بود و دایره معلومات وی در علوم تفسیر و حدیث خلاصه نشده و علوم بسیاری را در بر می‌گرفته است. از مهمترین آثار او می‌توان به المحرز الوجیز در علم تفسیر و البرامج در علم رجال اشاره کرد.

۴.۳.۲ انگیزه نویسنده

با بررسی اجمالی تفاسیر پیش از تفسیر ابن عطیه، می‌توان دریافت که اکثر این تفاسیر نقلی محض و کاملاً بر پایه نقل و حدیث و خصوصاً اسرائیلیات بوده‌اند، اما ابن عطیه جزو اولین کسانی بود که این منهج را تغییر داد و تفسیرش را با گلچین کردن روایات و بررسی اجتهادی منقولات، تالیف کرد و پس از او نیز این منهج ادامه یافت و در بین علما رواج پیدا کرد. چنانکه ابن خلدون در مقدمه‌ی خود این نوآوری و ابداع را به ابن عطیه نسبت می‌دهد. در مقام مقایسه بسیاری المحرز الوجیز را با الکشاف قیاس می‌کنند و حتی عده‌ای از جهت تلخیص و بیان شیواتر و واضح‌تر آن را برتر الکشاف زمخشری می‌دانند؛ علت این مقایسه را احتمالاً می‌توان در هم عصر بودن زمخشری و ابن عطیه جست و جو کرد. همچنین این هم عصری موجب شده تا فنون و روش‌های ادبی و بلاغی به کار رفته در این دو تفسیر بسیار نزدیک به هم باشند، هر چند در استنباط مسائل فقهی به دلیل تفاوت مذهب دو مفسر با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری در دو تفسیر به چشم می‌خورد.

۴.۳.۳ رویکرد و دیدگاه تفسیر

- عدم استفاده از اسرائیلیات و روایات نامعتبر را می‌توان از مهمترین شاخصه‌های تفسیر ابن عطیه به حساب آورد. او بارها در تفسیر خود اسرائیلیات را نقد و بر کسانی که از این روایات برای تفسیر قرآن بهره می‌برند تاخته و آنان را مورد عتاب شدید قرار می‌دهد.

- المحرز الوجیز تفسیری مابین منقول و معقول است؛ ابن عطیه در این تفسیر زمانی که روایتی از رسول الله ﷺ یا صحابه نقل می‌کند، سندی برایشان متذکر نمی‌شود زیرا روایاتی که نزد خودش معتبر هستند را نیازمند به سند نمی‌بیند؛ ازین رو از نقل روایات غیر معتبر علی‌الخصوص اسرائیلیات پرهیز می‌کند. او همچنین در بخش اجتهادی تفسیر یا قسم معقولات، به خلاف زمخشری به تنهایی اجتهاد و تعقل نمی‌کند بلکه پس از بررسی



اقوال و نظرات مفسرین، به نقد و یا انتخاب آنان می‌پردازد.

- همانطور که گفته شد ابن عطیه اشعری مذهب بوده و این مسئله در تفسیر وی هم به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه او در ذیل آیه: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾^۱ (انعام، ۱۰۳) به این مسئله اشاره می‌کند که: «خداوند متعال در قیامت قابل رؤیت خواهد شد و

انسان‌ها در روز قیامت خدا را خواهند دید الخ». (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۳۰)

- تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز دارای مقدمه‌ای است که ده باب دارد و از شئون مختلف قرآنی بحث کرده است. این مقدمه از مهم‌ترین آثار تالیف شده در علوم قرآنی به حساب می‌آید.

- روش کلی ابن عطیه در بیان مطالب به این صورت است که در ابتدای هر سوره، اطلاعات کلی درباره سوره، شامل مکی و مدنی بودن، فضائل، عدد آیات و القاب آن را بیان می‌دارد و در آیات پس از ذکر آنها مستقیماً وارد تفسیر می‌شود و ضمن آن به نقل اقوال مفسرین و نقد آنها، بحث‌های لغوی، معانی، نحوی، قرائت، بیان شواهد شعری و ادبی، نقل روایات و اسباب نزول می‌پردازد.

۴.۴ البحر المحيط

۴.۴.۱ نویسنده ابوحیان اندلسی

اثیر الدین محمد بن یوسف بن علی بن حیّان نفزی غرناطی اندلسی، ادیب، نحوی و شاعر قرن هفتم هجری، در سال ۶۵۴ق در شهر مطبخشارش از توابع غرناطه زاده و در همان شهر پرورش یافت. پس از گذشت ۱۵ سال از عمرش، علم آموزی را به شکل جدی آغاز کرد و برای این مهم سفرهای بسیاری به شهرهای مختلف انجام داد؛ با بهره‌گیری از اساتید بزرگ که آن‌ها را تا ۱۵۰۰ تن می‌شمارد، حدیث، منطق، نحو، اصول فقه و قراءات سبع را فراگرفت.

ابوحیان پس از چندی از اندلس راهی مشرق شد تا ضمن به جای آوردن مناسک حج، از کرسی‌های علمی علمای مشرق زمین بهره‌برد. سپس راهی قاهره شد که در آن زمان کانون علم ادب بود. در آنجا نیز به کسب علوم مختلفی مانند حدیث، نحو و اصول پرداخت.

۱. چشم‌ها او را نمی‌بینند ولی او همه چشم‌ها را می‌بیند.



ابوحیان پس از تبحر یافتن در علوم مختلف، بعد از ۲۰ سال کسب علم و دانش، مشغول تدریس و تالیف شد و کرسی درس خود را پایه‌گذاری کرد. ابوحیان از دانشمندان هم عصر خود پیشی گرفت و آوازه اش در شرق و غرب پیچید؛ به طوری که او را در نحو شیخ النحاة یا امام النحاة، در علم حدیث شیخ المحدثین و در سایر علوم رئیس العلماء می‌خواندند. پس از مرگ ابن نحّاس که در آن روز بزرگ نحویان به شمار می‌رفت، پا جای پای او گذاشت و به عنوان بزرگترین نحوی دوران خود کرسی تدریس نحو را در جامع الاقهر، کرسی تدریس تفسیر را در مدرسه صالحیه و کرسی تدریس و نقل حدیث را در مدرسه منصوریه بر عهده گرفت. شمار شاگردان ابوحیان بسیار زیاد است و بسیاری از آنان بعدها خود از بزرگان علوم نحو و حدیث و دیگر علوم به شمار آمدند.

ابوحیان ظاهری^۱ مذهب بود و بر مذهب خود بسیار پافشاری می‌کرد، تا اینکه به قاهره رفت و پس از تاثیر پذیری از علمای آن دیار به مذهب شافعی که بسیار نزدیک به مذهب ظاهری است، گروید. ابوحیان سرانجام در سال ۷۴۵ ق در شهر قاهره چشم از جهان فرو بست.

۴.۴.۲ انگیزه نویسنده

ابوحیان در مقدمه البحرالمحیط، قصد و غرض خود از تالیف این کتاب را اینگونه بیان می‌کند: در تالیف این تفسیر هیچ مخلوقی را قصد نکرده‌ام، و جز خشنودی خداوند چیزی را درخواست نموده‌ام، کتاب خداوند را انیس خود قرار داده‌ام، زیرا افضل مونس خواهد بود. دیگر اینکه افضل علوم، علم به کتاب الله و تفسیر آن است، که مقصود از آن سعادت ابدی انسان می‌باشد و این خود، مقصود بالذات خواهد بود (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹)

۴.۴.۳ رویکرد و دیدگاه تفسیر

- تفسیر البحر المحیط از جامع‌ترین تفاسیر با رویکرد ادبی به شمار می‌رود. ابوحیان از

۱. مذهب ضالّه ظاهریه یکی از فرق منسوخ شده اهل سنت بود که در عمل به ظاهر کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ خلاصه می‌شد مگر آنکه دلیلی ظاهری بر خلاف آن دو موجود می‌بود. از ویژگیهای مذهب ظاهریه، نادیده گرفتن علت‌های حکم و بها ندادن به قیاس، استحسان، تقلید، رأی و اجتهاد بود و در موارد عدم وجود نصّی از کتاب و سنت به اجماع اصحاب یا همه علما تمسک و بر اساس آن عمل می‌کردند.



الکشاف و المحرر الوجیز در این کتاب استفاده فراوان برده و نکات ادبی و اعرابی زیادی ازین دو کتاب در تفسیر خود نقل نموده است؛ همچنین در برخی موارد عقاید اعتزالی زمخشری را نقد و به استهزاء و تمسخر آن پرداخته است.

- طبق گفته ابوحیان در مقدمه البحر المحیط منهج تفسیری او به این صورت است که ابتداء تمامی وجوه لغوی، صرفی، بلاغی و دیگر وجود مفردات آیات را بررسی می‌کند و سپس به بررسی این وجوه از حیث ترکیب در آیات می‌پردازد؛ اگر آیات دارای شان نزول باشند بیان کرده و ارتباط آن‌ها را با دیگر آیات نیز بیان می‌کند. تمامی قرائات مشهور و شاذ را بررسی و وجوه نحوی آن را بیان می‌کند، سپس با بیان نظرات مفسرین به تفسیر هر چه بهتر آیه می‌پردازد. (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۳)

- ابوحیان علاوه بر تفسیر با رویکرد ادبیات (که البته بسیاری وجه نحوی البحر المحیط را بیش‌تر از تفسیری بودنش می‌دانند)، تا حد امکان به بررسی مسائل فقهی مذاهب اربعه اهل سنت پرداخته و به بعضا به کتب فقهی نیز ارجاع داده است.

- این کتاب حاوی مجموعه‌ای غنی و ارزشمند از قرائات، اشعار، لهجات و شواهد ناب ادبی است که بیانگر تسلط و علمیت مولف بر ادبیات عرب و اشعار ایشان می‌باشد.

۴.۵ تفسیر جلالین

۴.۵.۱ نویسندگان جلال الدین سیوطی و جلال الدین محلی

جلال الدین محمد بن احمد بن محمد بن ابراهیم محلی ملقب به تفتازانی عرب از فقه‌های شافعی مذهب قرن نهم هجری، در سال ۷۹۱ق در شهر قاهره چشم به جهان گشود. از همان کودکی به تعلیم دروس پرداخت و در کنار حفظ قرآن، فقه، اصول، نحو و منطق را به طور کامل فراگرفت. انسانی بی‌پروا و حق‌جو بود و از گفتن حرف حق ابایی نداشت. اعتنایی به حاکمان و مناصب حکومتی نداشت؛ منصب قضاوت را نپذیرفت و در کنار حرفه‌ی تجارت، به تدریس مشغول شد. قسمت دوم تفسیر جلالین، شرح جمع الجوامع تاج الدین سبکی، شرح ورقات امام الحرمین در اصول و کنز الراغبین فی شرح منهاج الطالبین از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌روند. وی سرانجام در سال ۸۶۴ق از دنیا رفت.



حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی^۱ از علمای مکتب اندلس در سال ۸۴۹ق در شهر اسیوط مصر دیده به جهان گشود. وی شافعی مذهب و متعصب در عقاید خود بود. از همان کودکی تعلیم قرآن و حدیث را آغاز کرد و در بزرگسالی به قصد فراگیری علوم به سرزمین‌های مختلف از جمله حجاز، یمن، هند و مغرب سفر کرد. اساتید بسیار دید و آثار بسیار زیادی را که شمار آن به ۵۰۰ می‌رسد از خود به جای گذاشت. از مهمترین آثار وی می‌توان به قسمت اول تفسیر جلالین، البهجة المرضیة فی شرح الفیه ابن مالک، الاتقان فی علوم القرآن، المزهر فی علوم اللغة و انواعها و الفیه السیوطی اشاره کرد. سیوطی در سال ۹۱۱ق چشم از جهان فرو بست.

۴.۵.۲ انگیزه نویسندگان

جلال الدین محلی تفسیر قرآن را در سال‌های پایانی عمرش آغاز کرد. او توانست تفسیر خود را از سوره کهف تا انتهای قرآن به همراه سوره حمد کامل کند. اما اجل مهلتش نداد و پس از فوتش در سال ۸۶۴ق کار تفسیر نیمه تمام ماند. سیوطی در سال ۸۷۰ق به تکمیل تفسیر پرداخت و تفسیر سوره بقره تا انتهای سوره اسراء را با همان رویکرد محلی کامل کرد و سپس تفسیر سوره حمد را در انتها ضمیمه آن کرد. از آنجا که سیوطی و محلی هر دو شافعی مذهب بودند اختلاف چندانی در دو بخش تفسیر جلالین به چشم نمی‌خورد گر چه که سیوطی تفسیر محلی را برتر از تفسیر خود می‌داند.

۴.۵.۳ رویکرد و دیدگاه نویسندگان

- در رابطه با تفسیر الکشاف گفته شد که می‌توان به آن تفسیر مزجی اطلاق کرد؛ اما تفسیر جلالین از این حیث بهتر و شیواتر از الکشاف زمخشری است، چرا که زمخشری در تفسیر خود ابتداء یک آیه را ذکر کرده و سپس به بررسی وجوه مختلف کلمات و ترکیبات آن می‌پردازد؛ اما تفسیر سیوطی و محلی آیه را تجزیه و پس از ذکر هر کلمه یا عبارت، ترجمه کلماتش را بیان کرده و وجوه نحوی، بلاغی و ادبی آن را بیان می‌کنند؛ برای

۱. در اصل اسیوطی، منسوب به اسیوط.



روشن شدن مطلب می‌توان تفسیر جلالین را به البهجة المرضية فی شرح الفیة جلال الدین سیوطی تشبیه کرد.

- جلالین تفسیر خود را در کمال اختصار و اکتفاء به ضروریات ادبی، بلاغی و لغوی تالیف کرده‌اند اما این مسئله باعث نشده تا علمای علم تفسیر ازین تفسیر رویگردان شوند بلکه این تفسیر در میان مفسرین همواره مورد اقبال و توجه بوده است.

- سعی و دأب سیوطی و محلی در این تفسیر پرهیز از پرداختن به مسائل فقهی بوده است؛ اما در جایی که احیاناً مسئله‌ای را بیان کرده‌اند، مذهب شافعی را که مذهب هر دوست بازتاب داده‌اند.

- همانطور که گفته شد کتاب در کمال اختصار نوشته شده است؛ در این میان بیشترین توضیحات را می‌توان متعلق به شان نزول برخی آیات عنوان کرد؛ با این حال احتیاط و محافظه کاری را می‌توان در بیان شان نزول برخی آیات مشاهده کرد؛ به عنوان نمونه سیوطی ذیل آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱ (مائده، ۵۵) بیان کرده است که: این آیه صرفاً به معنای خاشعان یا به‌جای آورندگان نماز مستحب می‌باشد! (سیوطی، محلی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲۰)

- تفسیر جلالین از معدود تفاسیری است که حاصل تالیف بیش از یک مفسر می‌باشد؛ با این وجود سیوطی به زیبایی و با ظرافت هر چه بیشتر، بخش اول تفسیر را به شکلی کتابت کرده است که جز در موارد معدود نمی‌توان به تعدد مولفین پی برد؛ مثلاً در مواردی که آیات مشابه در دو بخش تفسیر وجود دارد سیوطی با بهره‌گیری از نظرات و آراء محلی، آن آیات را شرح و تفسیر می‌کند.

- سیوطی تنها در ۴۰ روز تفسیر بخش اول را به اتمام رساند و ازین رو جز در موارد اندک، نقل و یا استناد به تفاسیر و منابع دیگر دیده نمی‌شود؛ البته رویکرد محلی نیز در بخش دوم به همین صورت بوده است.

۱. سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنان که ایمان آورده‌اند، همان‌ها نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.



نتیجه

تفسیر با رویکرد ادبیات، یکی از انواع رویکردهای تفسیری قرآن به حساب می‌آید و کتاب‌های بسیار زیادی طبق همین رویکرد تالیف و تدوین شده است؛ در میان تمامی این کتب، برخی تنها به بررسی لغات غریب قرآن یا تجزیه ترکیب نحوی آیات و یا بررسی تمامی لغات قرآن می‌پردازند و نمی‌توان به آنها کلمه‌ی تفسیر را اطلاق کرد. مانند غریب القرآن، اعراب قرآن و معانی القرآن‌ها. در این بین عده‌ای از دانشمندان و مفسرین بر این شدند تا تفسیری جامع تالیف کرده و ضمن استفاده از کتب مذکور، به تفسیر حقیقی قرآن پرداخته و در همین حین زیبایی‌ها و نکات ادبی و بلاغی قرآن را نیز بیان کنند. ۵ تفسیر مهم الکشاف نوشته‌ی زمخشری، جوامع الجامع نوشته‌ی شیخ طبرسی، المحرر الوجیز نوشته‌ی ابن عطیه اندلسی، البحر المحیط نوشته‌ی ابوحیان و تفسیر جلالین نوشته‌ی جلال الدین سیوطی و جلال الدین محلی طبق همین رویکرد کتابت شده‌اند و حاوی نکات ناب ادبی و پرده‌گشایی از گره‌های ادبی، ترکیبی و بلاغی قرآن هستند.

مدرسه شهیدین
بهشتی و قدوسی



فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۹۱). *مقدمه*، ترجمه محمد پروین گنابادی (چاپ سیزدهم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابن شهر آشوب، محمد ابن علی (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب* (چاپ اول). قم: انتشارات علامه.
۴. ابن عطیه، عبدالحق ابن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز* (چاپ اول). بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه.
۵. ابو حیان، محمد ابن یوسف (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط* (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالفکر.
۶. ذهبی، محمد حسین (بی تا). *التفسیر والمفسرون* (چاپ اول). قاهره: انتشارات مکتبه القاهره.
۷. زمخشری، محمود ابن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل* (چاپ سوم). بیروت: انتشارات دارالفکر.
۸. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن* (چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۹. _____ (۱۴۱۲ق). *جوامع الجامع* (چاپ اول). قم: انتشارات حوزه علمیه قم.
۱۰. محلی، محمد بن احمد، سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر (۱۴۱۶ق). *تفسیر جلالین* (چاپ اول). بیروت: انتشارات موسسه النور للمطبوعات.
۱۱. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران* (چاپ اول). قم: انتشارات موسسه فرهنگی تمهید.
۱۲. ناصر، مکارم شیرازی (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه* (چاپ دهم). تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.